

ادامه از صفحه قبل

حوزه قم، نهادها و مؤسسات حوزوی و نیز حوزه‌های علمیه ایران و نجف، در دهه‌های اخیر، به‌رغم همه دشواری‌ها و تنگناها، قله‌های بلندی را فتح و افتخارات بزرگی آفریده و پیشرفت‌های علمی، معرفتی و اجتماعی ارزشمندی را رقم زدند و حوزه قم چونان کانون جوشانی در تولید و توسعه علوم و معارف اسلام و خلق نظریه‌های مهم اجتماعی و سیاسی و بارورسازی اندیشه‌های انقلاب و نظام اسلامی و نیز در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی و خدمت خالصانه به مردم عزیز و شریف ایران و امت اسلامی، گام‌های بزرگی برداشته است. این‌همه، با پشتیبانی ملت بزرگ ایران، هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی^{نام‌قله} و مراجع عظام^{ادامت برکاتهم} و مساهمت سایر نهادها، مراکز علمی و دانشگاه‌ها رقم خورده است.

حوزه علمیه در دهه حاضر که آغاز گام دوم انقلاب اسلامی است و چالش‌های بین‌المللی در برابر ایران مقتدر و انقلاب قدرتمند، چهره عوض کرده‌اند، در کنار مردم و نجیب‌گان ایستاده و گام‌های بلندی را برای بازطراحی درخت‌واره دانشی علوم، نظامات آموزشی، گسترش هدفمند رشته‌های علمی، کارویژه‌های تخصصی حوزه و روحانیت، خدمات اجتماعی حوزه‌ای، کنشگری رسانه‌ای و حضور مؤثر بین‌المللی برداشته است؛ به‌گونه‌ای که صدها حوزه علمیه، مملو از جوانان خواهر و برادر با نشاط علمی و امید به آینده و حس مسئولیت‌پذیری در خدمت به دین و مردم در حال فعالیت هستند و ده‌ها مرکز آموزش عالی و تخصصی، ده‌ها پژوهشکده و پژوهشگاه که در حال پاسخ‌گویی به چالش‌ها و سؤالات مردم سراسر ایران و جهان و تولید نظریه اسلامی برای حل مسائل نظام هستند و نیز پذیرش و میزبانی از هزاران دانش‌پژوه علوم دینی از بیش از یکصد کشور جهان، برش مختصری از خدمات و فعالیت‌های نویدبخش حوزه‌های علمیه مردمی است و نهادهای مهمی مانند جامعه‌المصطفی، حوزه‌های خوارهران، دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، جامعه‌الزهراء^{علیهم} و دیگر نهادهای علمی، فرهنگی و اجتماعی، برگ‌های درخشانی از عرصه‌های حضور و فعالیت حوزه‌های علمیه برای خدمت به مردم ایران، امت اسلام و بشریت معاصر به‌شمار می‌آیند.

خدمات اجتماعی مراجع معظم و حوزه‌های علمیه در راستای کارآفرینی، تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه، ساخت بیمارستان‌ها، پل‌ها، خانه‌های بهداشت، مدارس و دانشگاه‌ها، تأمین ملزومات تحصیلی، تکفل ایتام و... بخش کوچکی از حمایت‌های متقابل و همراهی‌های روحانیت و مردم بوده است؛ اما در این میان حضور مستقیم روحانیت در دفاع از میهن در جنگ تحمیلی، دفاع از حرم، مقابله با آسیب‌های ناشی از سیل و زلزله و در یکی از بارزترین نمونه‌ها، نبرد با بیماری منحوس کرونا، نشانه‌ای از عمق باور به مردم و خیرخواهی مؤمنانه عالمانی دارد که عبای خود را فرش پای مردم و عمامه‌شان را نماد عقلانیت، خدمت و مبارزه برای خدا می‌دانند.

بدون شک این روحانیت شیعه بود که توانست، با همراهی ملت رشید ایران، بزرگ‌ترین حرکت ضد استعماری قرن را به منصفه ظهور برساند و در یک نگاه فراگیرتر می‌توان گفت که بسیاری از حرکت‌های آزادی‌خواهانه و اصلاحات اجتماعی قرون اخیر، با میدان‌داری و نقش‌آفرینی علمای دین محقق شده و خشونت زایدالوصف، ترور، تهدید، تبعید و زندان از سوی دولت‌های استبدادی نتوانسته، مانع از حرکت و پیشرانی عالمان شیعه برای نجات امت‌ها از دست دژخیمان باشد. حوزه علمیه که او را به‌حق مادر انقلاب اسلامی می‌خوانند، به‌عنوان ناصحی امین، حمایت، هدایت و مجاهده برای انقلاب اسلامی و ارزش‌های والای انسانی آن را وظیفه ذاتی خود می‌داند و البته حوزه‌های علمیه، در ادامه مسیر انقلاب اسلامی، ضمن استخراج و استنباط راهبردهای دینی، نظام معرفتی و اندیشه‌ای تمدن اسلامی را مطرح نموده و با ایجاد نظامات علمی و تربیتی تراز جامعه اسلامی، در جهت تحقق تمدن الهی، اقامه دین در همه ارکان جامعه را پی خواهد گرفت.

• جنگ ترکیبی

همچنان‌که انقلاب اسلامی و ندای اخلاق، معنویت و کرامت برخاسته از مکتب اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}، فروزان‌تر از گذشته به پیش می‌رود و هر روز افاق‌های جدیدتری را فتح می‌کند و به‌رغم خواست جبهه استکبار، به قدرت و بازگر مهم منطقه و از مؤثرین جدی مناسبات بین‌المللی تبدیل شده، به‌حدّی که مانع تحقق رؤیاهای پریشان‌نظام سلطه بر علیه جهان اسلام گردیده است.

طاغوت و نظام سلطه، جنگ‌های مختلفی را در جبهه‌های متنوعی همچون تجزیه‌طلبی، ترور شخصیت‌ها، خشونت‌های خیابانی، حمله مستقیم نظامی، جنگ اقتصادی، تهاجم فرهنگی- رسانه‌ای و... بر این مردم و میهن تحمیل کرده که به‌فضل خدای متعال در همه آنها نیز، طعم شکست را چشیده است.

در دو دهه اخیر الگوهای مواجهه دشمن با حکومت‌ها و ملت‌های مستقل دچار تغییراتی گردیده که عموماً بر فروپاشی از درون مبتنی بوده است. در این شیوه که به جنگ هوشمند، ترکیبی و چندضلعی شناخته می‌شود، همه ابزارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان شتاب‌دهنده‌هایی برای پیروزی در جنگ به‌کار گرفته می-شوند؛ اما رویکرد اصلی ایجاد اختلال در قوای شناختی بدنه مردم و شکل‌دهی خطاهای راهبردی در سیاست-گذاران از طریق تصمیم‌سازی‌های غلط برای ایشان، به‌واسطه بهره‌برداری حداکثری از ابزارهای نوپیدا مانند فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های غیررسمی، بازی‌های موبایلی و... است. هدف اصلی جنگ ترکیبی، براندازی و فروپاشی از درون است که با استفاده از ابزارهای پیش‌گفته و به‌واسطه فرو ریختن ارزش‌های اصیل اجتماعی، تغییر گفتمان‌های فرهنگی، ایجاد خلأ تمدنی و ارتباطی بین نسل‌ها، ایجاد، گسترش و تعمیق شکاف بین مردم و حاکمیت، تغییر گروه‌های مرجع و قطع رابطه و تعلق خاطر نسل‌های نو با نسل قبل، آداب و رسوم و سنن ملی و مذهبی صورت می‌پذیرد. پیشران اصلی جنگ ترکیبی و همه‌جانبه‌ای که بر علیه ایران در حال انجام است، جنگ شناختی و ادراکی است.



► مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی جنگ ترکیبی کنونی عبارتند از:

۱. تلاش برای فروپاشی مبانی فکری، اعتقادی، اخلاقی و الهی، اسلامی و ایمانی ملت ایران و به‌ویژه نسل جوان؛

۲. استمرار تهاجم اقتصادی از طریق تشدید تحریم‌ها، تلاش برای کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و گرانی و تحمیل برجام و عهدشکنی در آن و ایجاد موانع متعدد بین‌المللی در انتفاع اقتصادی مردم ایران؛

۳. ایجاد، تعمیق و گسترش گسل‌های اجتماعی، فرهنگی، قومیتی، مذهبی، زبانی، سیاسی و... به‌منظور فروپاشی انسجام ملی، وحدت توحیدی و یکپارچگی و ایجاد تشتت و واگرایی بین مردم با صلابت ایران بزرگ؛

۴. احیای مجدد و تطهیر گروه‌های تروریستی منفور و رانده‌شده مانند منافقین،کومله، سلطنت‌طلبان و...؛

۵. حمایت حداکثری از صدام‌های عربی-عبری و برخی پادشاهی‌های مرتجع منطقه‌ای و دولت‌های وابسته و غیرمردمی برای پشتیبانی از حرکت‌های افراطی و خشونت‌طلبانه بر علیه انقلاب اسلامی و در داخل کشور؛

۶. ناامن‌سازی منطقه‌ای و تولید بحران‌های مرزی با ایجاد فشار، تهدید و تحریک برخی از کشورهای همسایه؛

۷. ساخت قدرت‌های شیطانی و گروه‌ای تروریستی جدید در منطقه چون داعش، جندالشيطان، جیش‌الظلم، حركة‌النضال و...؛

۸. فعال‌سازی برخی از مجامع بین‌المللی برای ایجاد کارزار و تقویت فشار حداکثری بر علیه ملت مظلوم و مقتدر ایران اسلامی؛ درحالی‌که این مجامع اساساً برای آن تأسیس شده‌اند که تا حامی حق و حقیقت و ضامن استیفای حقوق دولت‌ها و ملت‌ها در برابر دول زیاده‌خواه باشند؛ اما امروزه خود به ابزاری برای اعمال زور و تهدید و گسترش ظلم، سلطه و یکجانبه‌گرایی تبدیل شده‌اند؛

۹. تحریف تاریخ و تلاش برای بازنمایی دروغین و تطهیر حکومت خون‌ریز، دیکتاتوری، مردم‌ستیز و مزدور پهلوی؛

۱۰. تلاش برای بزرگ‌نمایی کاستی‌ها و ایجاد اتهامات ناروا و جعل اخبار کذب و پنهان‌سازی، انکار و یا تقلیل دستاوردهای عظیم و مبهوت‌کننده ملت بزرگ ایران در عصر انقلاب اسلامی، جهت القای ناکارآمدی و ایجاد یأس؛

۱۱. ایجاد آشوب‌ها، اغتشاشات، ناامنی‌ها و... به‌منظور راه‌اندازی جنگ‌های شهری و خیابانی شبیه به اقدامی که در سوریه و برخی از کشورهای منطقه رخ داده است، با ایجاد پرونده‌های ساختگی و سوءاستفاده از برخی رخ‌دادهای اجتماعی و یا مصادره اعتراض‌های آرام، مسالمت‌آمیز و منطقی مردمی؛

۱۲. قیج‌زدایی و تشویق به تجزیه‌طلبی بین اقوام و استان‌های مرزی و قداست‌زدایی از اخوت و برادری و تقلیل حس ایران‌دوستی، نوع‌دوستی و وطن‌دوستی؛

۱۳. تلاش ناکام به‌منظور تغییر ذائقه و امپال و آرزوهای جوان ایرانی و کوشش به‌منظور فاصله انداختن بین او و ابرقهرمانان مذهبی و ملی و جایگزین کردن آنها با قهرمانان ساختگی و مظاهر تمدن غربی؛

۱۴. عادی‌سازی بی‌عفتی، دوری از حیاء و ادب تاریخی ایرانی، اسلامی به‌منظور در هم شکستن مرزهای اخلاقی، تغییر شکل خانواده‌ها، ایجاد نسلی بدون تعلق و عرق ملی، مذهبی، خانوادگی و عاطفی و فاقد قدرت تحلیل و اراده مقاومت که بستری مهیا برای هرگونه سوءاستفاده و به بردگی کشیده شدن خواهد بود؛

۱۵. ایجاد شکاف صنعتی بین مردمی‌ترین حکومت منطقه و ملتی که با دهه‌ها نبرد و ایثار، آن را بنا نهاده‌اند، به‌واسطه پشتیبانی مالی و لجستیکی ائتلافی از دژخیم عبری و ارتجاع عربی که اتفاقاً ذائقه مردم مظلوم آن کشور استبدادی، تجربه هیچ‌گونه مشارکت مدنی و نقش‌آفرینی در تعیین سرنوشت خویش را نداشته‌اند؛

۱۶. هجوم بسیار پرچم‌رسانه‌ای با فعالیت صدها شبکه تلویزیونی و ماهواره‌ای، سکوها و ابزارهای فضای مجازی، ربات‌ها و تروریست‌های سایبری، بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی هدفدار، مجموعه فیلم‌ها، شخصیت سازی‌های داستانی، انیمیشن‌ها و... به‌منظور تغییر محتوای فرهنگی و ایجاد اختلال در نظام ارزشی و شبکه ادراکی کودک، نوجوان و جوان ایرانی.

بدون تردید باورسازی غلط و ایجاد اشتباه محاسباتی، سستی‌آفرینی در اراده مردم و مسئولان و نهایتاً بدبینی و ناامیدی از انقلاب اسلامی و خوش‌بینی و امید بستن به نظام سلطه، غایت‌الغایات این جنگ همه‌جانبه است. آنچه که همه ما، مردم و مسئولان و به‌ویژه روحانیت معزز باید بدان توجه داشته باشد، این است که این جنگ احزاب گسترده، نه‌تنها حاکی از توان و قدرت دشمن نیست؛ بلکه نشانه ضعف و انفعال اوست. نظام سلطه و استبدادی که در همین ایران قبل از انقلاب با اشاره یک سفیر، دولت جابه‌جا می‌کرد یا قراردادهای خفت‌بار به حاکمان تحمیل می‌نمود و یا به‌دلیل سرسپردگی و خیانت درونی‌شده حکومت پهلوی، با عناوین مشمئزکننده مثل «عروسی بود که شوهرش دادیم»، بخشی از وطن و پاره‌تن میهن را جدا و این پیکر عظیم را قطع عضو می‌کرد، اکنون در برابر انقلاب پرصلابت ایران اسلامی مجبور شده تا همه توان خود را ناباورانه به صحنه بیاورد و شرارت آفرینی‌هایی را مرتکب شود که باعث عریان شدن چهره زشت نظام سلطه گشته و صدای آگاهان جوامع غربی را نیز درآورده و در آینده نزدیک ملت‌های آزادی‌خواه را بر علیه آنها خواهد شورا‌نید. معنای آغاز جنگ ترکیبی، شکست در تمامی تهاجمات قبلی و ناکارآمدی طرح‌ها و نقشه‌های شوم و پرهزینه دشمن است. دشمن می‌کوشد تا در اوج ذلت و زبونی، احساس قدرت را القاء کند و در بدنه جامعه و نظام ما که در اوج اقتدار و توانمندی است، حس ضعف و ناتوانی پدید آورد. تاریخ نشان داده، هر موقع که دشمن، با تمام توان در یک جنگ نابرابر بر علیه ما صف‌آرایی کرده، اراده ملت راسخ‌تر، مجاهده مسئولان بیشتر و از همه مهم‌تر، امداد الهی بی‌حد و حصر سرازیر گشته و بدون شک و بر اساس سنت الهی که به جامعه ایمانی وعده فرموده است: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾، به‌زودی شکست مفتضحانه‌تر و بزرگ‌تری نیز، در فردای این جنگ ترکیبی، برای آنها رقم خواهد خورد.
إن‌شاءالله.

ادامه در صفحه بعد